



سیاستها و برنامه‌های راهبردی توسعه

جامعه عشایری در برنامه سوم

• دکتر شفیق

به طور کلی جامعه عشایری در کشور ایران با مسائل و چالشهای مختلف و گسترده‌ای مواجه می‌باشد. چالشهای موجود، شامل هفت چالش اساسی است. البته این بدان معنا نیست که چالشهای دیگری وجود ندارند، ولی در خصوص برنامه‌ریزی می‌توان گفت که این چالشها، چالشهایی هستند که باید به آنها بیشتر توجه کرد. این چالشها را بشرح زیر می‌توان عنوان نمود:

- ۱- چالش دشواری مدیریت اجرایی برای جامعه عشایری
 - ۲- چالش مشارکت مردمی
 - ۳- چالش موجود در تخصیص منابع
 - ۴- چالش عدم شناخت کافی از عشایر در برنامه‌ریزی
 - ۵- چالش فروپاشی نظام ایلی که در چند دهه اخیر به وجود آمده است.
 - ۶- چالش زیست محیطی، از جمله عدم تعادل بین مراتع و دام، نامشخص بودن مرز زندگی عشایر و روستایی
 - ۷- چالش بین کوچنده‌ها و یکجانشینها
- حال به شرح مختصری از برخی از این چالشها می‌پردازیم:

۱- چالش موجود در مدیریت جامعه عشایری

تا قبل از انقلاب اسلامی، برخورد با جامعه عشایری برخورد مناسبی نبوده است. بعد از انقلاب نیز با وجود توجه به جامعه عشایری، یکی از معضلات توسعه و مدیریت اجرایی آن، فقدان سازماندهی و نگرش مهندسی اجتماعی و فنی بوده است. متأسفانه زندگی جامعه عشایری تاکنون متناسب با نیازهای جامعه از نظر کیفی ارتقا نیافته است، لذا در این نظام، برخورد با



جامعه عشایری با مشکل مواجه می‌باشد.

۲- چالش مشارکت مردمی

در جامعه عشایری ما، مدیریت محلی از پایین به بالا وجود ندارد و از طرف دیگر، تشکلهای و نهادهای رکنی و مدنی که بازخورد جامعه عشایری باشد، نیز شکل نگرفته و در شوراها مورد توجه قرار نگرفته است. لذا فقدان مدیریت محلی از پایین به بالا یکی از مشکلات و معضلات مبتلابه می‌باشد.

۳- چالش تخصیص منابع

متأسفانه تخصیص منابع برای جامعه عشایری با منابع ملی گره خورده است. پس انداز در جامعه عشایری بسیار محدود می‌باشد. فعالیت بخش خصوصی نیز کمتر بوده و فعالیت سوداگران شهری نیز به گونه‌ای است که بازخورد سرمایه به جامعه عشایری برنمی‌گردد. فعالیتهای بانکی نیز در این مورد بسیار محدود است. در حالی که این جامعه در حال گذار، بیش از نیمی از قلمرو کشور را در اختیار دارد. لذا نمی‌توان آن را فقط به منابع دولتی متکی نمود. چه بسا که این چالش در سالهای آینده بیشتر شود.

۴- چالش عدم شناخت کافی در برنامه‌ریزی

به رغم تلاشهای گسترده‌ای که برای شناخت جامعه عشایری انجام گرفته است، شناخت ما از آن بسیار اندک و محدود می‌باشد و چند مؤسسه‌ای هم که در این زمینه فعال بوده‌اند، به دلایل مختلف فعالیت آنها کمتر شده است و طبیعی است که بدون شناخت نیز نمی‌توان برنامه‌ریزی مناسبی نمود. ما در خصوص عشایر و شناخت کامل از عشایر، برنامه‌ریزی جامعی نداشته‌ایم و در نظام برنامه‌ریزی کشور نیز نهاد سیستمی جهت برنامه‌ریزی برای این قشر وجود ندارد. بنابراین در حال حاضر، در زمینه شناخت، برنامه‌ریزی و طراحی با مشکل رو به رو می‌باشیم و این امر موجب می‌شود تا برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیریها بیشتر به صورت سلیقه‌ای اعمال شوند. لذا با توجه

به این وضعیت، عنایت به جامعه عشایری و برنامه‌ریزی برای جامعه مذکور، بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

برنامه‌ریزی برای جامعه عشایری یک نوع برنامه‌ریزی چندبخشی است و نباید برنامه‌ریزی بخشی تلقی شود. یعنی اینکه ما با همه بخشها از جمله تولید، کشاورزی، صنعت، راه، حمل و نقل و ... سروکار داریم. پس اولین و اساسی‌ترین مورد برنامه‌ریزی برای جامعه عشایری، این است که این جامعه را با همه نهادها مرتبط بدانیم. یعنی در برنامه‌ریزی باید هم دیدکلان، هم دید میانی و هم دید خرد وجود داشته باشد.

"دید کلان" در برنامه ریزی جامعه عشایری، توجه به امور اقتصادی و "دید میانی" توجه به برنامه ریزی محلی می‌باشد. در برنامه ریزی برای جامعه عشایری، از آنجایی که با جامعه سروکار داریم، برنامه‌ریزی باید از بالا به پایین و برعکس از پایین به بالا صورت گیرد.

اسناد برنامه ریزی برای جامعه عشایری

اسناد برنامه‌ریزی برای جامعه عشایری، باید دارای سه نوع سند مشخص باشد:

۱- برنامه‌ها و سند راهبردی: به همان شکلی که برای شهرها و روستاها، سند راهبردی وجود دارد، باید برای جامعه عشایری نیز سند راهبردی تهیه شود و این اسناد باید با اسناد کلان ملی و آمایش سرزمین، طرح کاربری ملی، طرحهای جامع آب کشاورزی و ... هماهنگ باشد و به تأیید بالاترین مقام تصمیم‌گیری کشور برسد. بخصوص باید رویکردها و جهت‌گیریهای بلندمدت جامعه عشایری، دستاوردها و پیامدهای برنامه‌ریزی برای جامعه عشایری مشخص شود.

۲- بر اساس برنامه‌های راهبردی، باید برنامه ساختاری داشت: یعنی به همان شکل که برای جامعه روستایی و شهری برنامه ساختاری تهیه و تنظیم می‌شود، مثل تراکم، ساخت و ساز و ... برای قلمروهای عشایری نیز باید به تفکیک هر ایل برنامه ساختاری ارائه نمود. به عنوان مثال

برای ایل بختیاری نمی‌توان گفت در امور قشلاق آنها یک جا و در مورد امور ییلاق آنها جای دیگری تصمیم بگیرد. ساماندهی کوچ یا اسکان در قلمرو ایل نیاز به یک نقشه حساب شده دارد. اگر بنا باشد کسی در ییلاق اسکان پیدا کند و به قشلاق نرود، باید تکلیف مراتع و زمینها مشخص شود.

۳- بر اساس برنامه ساختاری، دستگاه اجرایی نیاز به عملیات اجرایی دارد. هر برنامه ساختاری نیاز به عملیاتی دارد. منظور از برنامه عملیاتی این است که چند چیز باهم دیده شود. نمی‌توان گفت برنامه خاک را وزارت کشاورزی، مراتع را جهاد، آب را سازمان آب و ... مشخص کند. متأسفانه نظام برنامه‌ریزی در ایران، فاقد برنامه‌ریزی واحد است و از این رهگذر میلیاردها ریال هزینه به هدر می‌رود. اگر در جایی سد زده می‌شود، باید تکلیف بالادست و پایین دست روشن باشد و گرنه توفیقی به دست نمی‌آید. همه برنامه باید باهم دیده شود و به صورت یکپارچه برنامه‌ریزی شود. جایگاه سازمان عشایر در کشور ما باید سامان دادن به برنامه‌های عشایری در بین سایر سازمانها و هماهنگ کردن آنها باشد، ولی متأسفانه در این خصوص ما با مشکل روبه رو هستیم.

حال با این دیدگاه، به امید اینکه در برنامه سوم، برنامه‌ریزان به جزئیات بپردازند و مشکلات مربوطه را حل کنند، هدفها و سیاستهای راه تنظیم شده و در نظام برنامه‌ریزی، بر اساس این برنامه کلی، اقدامها و پیشنهادهایی تدوین شده است تا مبنای عمل قرار گیرد. هدف از این نشست، این است که برنامه‌ها و اقدامها مرور شده و اگر چیزی از قلم افتاده یا بدان دقت نشده است مورد توجه قرار گیرد. اصلی‌ترین جزء زندگی عشایری و بستر زندگی عشایر، "کوچ" می‌باشد و یکی از مهمترین برنامه‌ها، باید سامان دادن به کوچ باشد. اگر بخواهیم دام و مرتع تعادل پیدا کند و آبخیزها و قلمروهای عشایری سامان پیدا کند، باید به کوچ سامان داده شود. شاید گرایش در برنامه دوم، "اسکان" بوده است. تلقی بر این است که

درباره سوم، پخته‌تر عمل شود و به کوچ به عنوان بستر زندگی عشایری توجه شود. برای این منظور اقدام‌هایی پیش‌بینی و سیاست‌های راهبردی ارائه شده است.

در مورد خدمات رسانی به عشایر، باید فعالیتها بیش از گذشته انجام گیرد و در این زمینه همه سازمانها باید همکاری داشته باشند. یکی از اقدامهای اساسی در این خصوص، خدمات‌رسانی سیار و استقرار مراکز خدمات‌رسانی در ایل راههاست. درباره ریزی خدمات رسانی سیار، باید به تجهیز گذرگاهها و ایستگاههای انبار علفه و ... اهمیت داده شود.

قبل از کوچ باید شرایط فراهم شود تا دام حذفی قبل از حرکت گله از عشایر خریداری شود. زیرا بهترین موقع حذف دام، زمان شروع کوچ است که هم صرفه اقتصادی دارد و هم از فشار بر مراتع میان راهی کاسته می‌شود.

در حال حاضر برنامه‌ای برای کوچ و زمان کوچ وجود ندارد. یکی از اقدامهای اساسی جهت ساماندهی به کوچ، تنظیم برنامه کوچ است که قبلاً این کار توسط ریش سفیدان و بزرگان عشایر انجام می‌گرفت. لیکن اکنون این برنامه وجود ندارد. در تهیه این برنامه، متخصصان جغرافیا، اکولوژیستها، جامعه‌شناسان و ... باید همکاری داشته باشند و از همکاری و مشارکت عشایر نیز استفاده کنند.

شایان ذکر است که نظام تولید و نحوه کوچ عشایر متناسب با زمان، تحول نیافته است و باید شرایط این تحول ایجاد شود. اگر بناس ترکیب گله‌ها عوض شود و دام و مراتع تناسب داشته باشند، برنامه‌ریزی لازم دارد. یکی از کارهای اساسی که در هر منطقه در این خصوص باید انجام گیرد، جلوگیری از خروج دامهای غیرعشایری و شناسایی کامل دامها می‌باشد. با این حرکت بخش عمده‌ای از ناهماهنگیهای بین مراتع و دام مرتفع می‌شود.

دومین سیاست راهبردی که جهتی اساسی در بین سیاستهای ذکر شده دارد، ساماندهی به اسکانهای خودجوش است. این مسئله خیلی

به رغم تلاشهای گسترده‌ای که برای شناخت جامعه عشایری انجام گرفته است، شناخت ما از آن بسیار اندک و محدود می‌باشد و چند مؤسسه‌ای هم که در این زمینه فعال بوده‌اند، به دلایل مختلف فعالیت آنها کمتر شده است و طبیعی است که بدون شناخت نیز نمی‌توان برنامه‌ریزی مناسبی نمود.

پیچیده است و این اسکانهای خودجوش باید شناسایی شده و سپس سامان داده شوند. در غیر این صورت، مشکلات حاشیه نشینی و زاغه نشینی به دنبال خواهد داشت. مطالعاتی در خصوص اسکان عشایر داوطلب انجام گرفته که باید ادامه پیدا کند و برای مکان‌یابی مناسب باید از متخصصان جغرافیا، علوم اجتماعی و ... استفاده نمود. در این مورد همه ارگانهای ذی‌ربط در امور عشایر باید مشارکت داشته باشند و سازمان امور عشایری نیز نقش هماهنگی بین سازمانی را بر عهده گیرد.

آماده‌سازی بخشهای اسکان عشایر نیز یکی از موارد بسیار مهم است که متأسفانه در این مورد کمتر فعالیت شده است. ما برای شهرها و روستاها، طرحهای جامع شهری و ... داریم، ولی در مورد عشایر، هنوز طرحهای مشخصی طراحی و تنظیم نشده است. این بخشها تا زمانی که تبدیل به روستا نشده‌اند، باید از امکانات مورد نیاز برخوردار باشند و رفی تبدیل به روستا شدند، باید از استانداردهای موجود در خدمات رسانی روستایی برخوردار شوند.

آنهايي که کوچنده محض هستند، تکلیفشان روشن است، ولی آنهايي که دربیلاق و قشلاق صاحب زمین هستند باید برای آنها برنامه جامعی تدارک شود. در مورد یکپارچه سازی اراضی در بیلاق و قشلاق باید برنامه‌ریزی کرد و از خود عشایر نیز کمک گرفت. در حقیقت عشایر خودشان

باید در این خصوص مشارکت داشته باشند.

در مورد منابع آب و خاک و واگذاری آنها، عشایر باید در اولویت قرار گیرند و بیشترین و بزرگترین تجهیز منابع آب و خاک در قلمروهای عشایری انجام گیرد! مثل "طرح طوبی"، ولی هیچ‌گاه مشخص نکرده‌اند که صاحبان اصلی این اراضی خود عشایر بوده‌اند و خود عشایر نیز در واگذاری باید اولویت داشته باشند.

یکی از سیاستهای اصلی دیگر "عمران آبخیزها" به وسیله عشایر می‌باشد. این فکر که بدون عشایر هم می‌توان آبخیزها را آباد کرد، فکری است که در ایران و جهان با شکست مواجه شده است. متأسفانه مسئله فن سالاری و تخصص‌گرایی (تکنوکراتی) در ایران باعث شده تا بسیاری از این طرحها، بدون توجه به مسائل اجتماعی و ... تهیه شود.

اگر نظام حقوقی مناسبی وجود داشته باشد، بسیاری از دیمزارهای کم بازده را که قبلاً قابلیت مرتعی داشته‌اند، می‌توان به مرتع تبدیل نمود و با ایسن عمل، بخش عمده‌ای از منابع ارزی صرفه‌جویی خواهد شد.

پیشنهاد دیگر، گسترش باغداری در آبخیزها می‌باشد. تمام مناطق عشایری در کنار آبخیزها قابل تراس بندی و گسترش باغداری هستند. مناسبترین افراد برای "طرح طوبی" خود عشایر هستند. در واگذاری مراتع یکی از سیاستهای راهبردی، یکپارچه سازی اراضی و واگذاری به خود عشایر می‌باشد و به همان نسبتی که برای زمینهای کشاورزی از طریق بانک، وام داده می‌شود، باید به مراتع نیز تعلق گیرد.

هماهنگی با برنامه‌های ساماندهی کوچ، باید برنامه‌ای نیز برای چرا تنظیم شود. به خاطر اینکه، چرای بی‌رویه، تکیه‌گاه خود عشایر و توسعه پایدار را با مشکل مواجه می‌سازد.

اگر برای شهرها و روستاها، طرحهای کاربری اراضی تهیه می‌شود، برای عشایر نیز باید کاربری اراضی تنظیم گردد. در حال حاضر، در خصوص عشایر و قلمروهای عشایری، نه کاربری مشخصی هست و نه حقوق خاصی برای آنان در نظر گرفته

شده است. در بسیاری از شهرها، مناطق فلمروهای عشایری، آماج زباله‌های شهری قرار گرفته است. از دیگر سیاستهای اساسی، اصلاح امور مدیریتی در عشایر است. اگر ده توسط دهدار و تنها به وسیله شهردار اداره می‌شود، لیکن در اداره امور عشایر، به خاطر فروپاشی نظام و نهادهای عشایری، مشکل وجود دارد و مدیریت محلی باید با توجه به شورای عشایری، فعال و تقویت شود. ساختار اجرایی امور عشایر باید به سمت تمرکززدایی اصلاح شود و سازمان امور عشایری در جهت تمرکززدایی پیش برود و خود سازمان بیشتر سیاستگذاری را به عهده گیرد و موارد اجرایی را به امور منطقه‌ای و محلی واگذار نماید. به این منظور، سازمان امور عشایری نیاز به یک گرده مهندسی قوی متشکل از جغرافیدانان، اکولوژیست‌ها و متخصصان زیست محیطی، علوم اجتماعی و ... دارد تا امور سیاستگذاری و مطالعاتی را انجام دهند و در عوض باید اختیارات اجرایی امور محلی و منطقه‌ای را تقویت کرد و بسیاری از فعالیتها از قبیل سوخت رسانی و ... را به بخش غیردولتی واگذار نمود.

در زمینه فعالیتهای تولیدی، اولین اقدامهای پیشنهادی تجهیز منابع آب و خاک می‌باشد و احیا و آماده سازی اراضی، واگذاری اراضی، تهیه و اجرای طرحهای تراس بندی و آبیاری تکمیلی از جمله اقدامهای اساسی بعدی در این خصوص می‌باشد. در کلیه مناطق عشایری با یک موتور آب می‌توان نهضت ملی را در ایران به وجود آورد تا آنها بتوانند اراضی دیمی را با آبیاری تکمیلی (۲ تا ۳ بار آبیاری) بهره‌ورتر کنند. زیرا در تمامی مناطق عشایری امکان پمپاژ آب وجود دارد. علاوه بر آن امکان گسترش باغداری نیز وجود دارد و باید به هر خانوار عشایری یک موتور پمپاژ داده شود. در مورد الگوی کشت نیز می‌توان با توجه به نیازهای عشایر، برنامه‌ریزی کرد.

در زمینه دامداری در برنامه سوم، باید برای پرواربندی دامها و ایجاد تعاونیهای دامی فعالیت بیشتری صورت گیرد. برای توسعه پایدار یکی از برنامه‌های اجرایی می‌تواند تنوع بخشیدن به

یکی از سیاستهای اصلی دیگر عمران آبخیزها به وسیله عشایر می‌باشد. این فکر که بدون عشایر هم می‌توان آبخیزها را آباد کرد. فکری است که در ایران و جهان با شکست مواجه شده است. متأسفانه مسئله فن سالاری و تخصص گرایی (تکنوکراتی) در ایران باعث شده تا بسیاری از این طرحها، بدون توجه به مسائل اجتماعی و ... تهیه شود.

۲- اصلاح ساختار و بازنگری نظام اجرایی و شیوه‌های تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت برای توسعه و عمران عشایری

۳- سازماندهی به نظام استقرار جمعیت و فعالیت در محیط عشایری با تأکید بر توسعه یکپارچه و هماهنگ در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی

۴- ارتقای سطح زندگی در محیط عشایری با استقرار نظامی مناسب برای خدمات رسانی

۵- ایمن سازی محیط عشایری در برابر سوانح و مصیبت‌های طبیعی

۶- تحول نظام تولید عشایری و بهره‌برداری از منابع و عوامل تولید

۷ لزوم حمایت، هدایت و ساماندهی به اسکانهای خودجوش و دارطانه عشایر

۸ لزوم تکوین مدیریت محلی جهت تحقق مشارکت عشایر در اداره جامعه خود

فعالیتهای عشایری مثل پرورش ماهی، صنایع دستی و ... باشد. در گلوگاههای ایلی، صنایع و واحدهای فرآوری دامی و صنعتی باید ایجاد شود.

در مورد فعالیتهای زیرساختی، مانند مطالعات زیرساختی، ایجاد تأسیسات ذخیره‌سازی در گلوگاهها، طرحهای آموزشی، ترویجی، بهداشت خانواده، تغییر در قوانین و مقررات کاربری اراضی و مراتع و ... در برنامه سوم باید فعالیت جدی‌تر و بیشتری انجام شود.

در پایان همایش مذکور، همچنین رهنمودهای کلی روستاهای زاہریدی توسعه جامعه عشایری در برنامه سوم به شرح زیر ارائه شد:

رهنمودهای کلی

۱- تأمین رفاه و عدالت اجتماعی، تعدیل نابرابریها و توسعه معادل محیط عشایری

۹- ارتقای سطح فرهنگی - اجتماعی جوامع عشایری با حمایت از ارزشهای فرهنگی، گویشها و ...

سیاستهای راهبردی

۱- ارتقای سطح زندگی و تأمین رفاه اقتصادی مناسب برای عشایر کوچنده کشور با توسعه و تحول نظام تولید سنتی و افزایش بهره‌وری از منابع تولید در زیست‌بومهای عشایری، بویژه توسعه کیفی دامداری عشایر با اتکا بر مهارتها و قابلیت‌های عشایر و حفظ سرمایه دامی موجود جهت افزایش تولید فرآورده‌های دامی و تأمین امنیت غذایی در کشور

۲- توسعه پایدار زیست بومهای عشایری و ایجاد تعادل‌های زیست محیطی و حفاظت از میراث طبیعی ارزشمند قلمروهای عشایری کشور با اعمال مدیریتیتی سنجیده و هماهنگ جهت احیا و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی بویژه مراتع و آبخیزها توسط اجتماعهای عشایری

۳- متنوع کردن فعالیتهای اقتصادی در جامعه عشایری با استفاده از امکانات، قابلیت‌ها و منابع محیطی، جهت ایجاد اشتغال و نگهداشت جمعیت در نواحی عشایری و افزایش درآمد عشایر

۴- اشاعه فن آوری و بهره‌گیری از آن به طور مناسب جهت افزایش توان و قابلیت‌های عشایر در مهارت طبیعت و عوارض مخرب آن، مانند لغزش زمین، سیل، خشکسالیها و ...

۵- ساماندهی و مدیریت امور کوچ بر مبنای تعادل‌های دام و مرتع، الزامهای زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی، ممانعت از کوچهای پیشرس (بویژه در کوچ بهاره) و تعیین و تجهیز مسیرهای کوچ

۶- واگذاری مراتع قابل تعلیف دام به بهره‌برداریهای عشایری و ارائه خدمات فنی، کمکهای اعتباری و ایجاد نظام مناسب برای مرتعداری و افزایش بازدهی مراتع

۷- عمران آبخیزها با مشارکت عشایر از طریق تبدیل دیمزارهای کم‌بازده و احیای مراتع مخروبه

اگر برای شهرها و روستاها، طرحهای کاربری اراضی تهیه می‌شود، برای عشایر نیز باید کاربری اراضی تنظیم گردد. در حال حاضر، در خصوص عشایر و قلمروهای عشایری، نه کاربری مشخصی هست و نه حقوق خاصی برای آنان در نظر گرفته شده است. در بسیاری از شهرها، مناطق قلمروهای عشایری، آماج زباله‌های شهری قرار گرفته است.

اولین و اساسی‌ترین مورد برنامه‌ریزی برای جامعه عشایری، این است که این جامعه را با همه نهادها مرتبط بدانیم. یعنی در برنامه‌ریزی باید هم دیدکلان، هم دید میانی و هم دید خرد وجود داشته باشد.

۸- مدیریت کاربری اراضی در زیست‌بومهای عشایری با برنامه‌ریزی راهبردی و ساختاری (تهیه نقشه‌های هادی) و تدوین مقررات برای انواع کاربریهای مجاز

۹- توسعه یکپارچه و هماهنگ قلمروهای ایلی (بیلاقی و قشلاقی) بر مبنای مقتضیات زیست محیطی و الزامهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با تهیه برنامه‌های راهبردی، ساختاری و عملیاتی زیست بومها

۱۰- سامان بخشی به امکانهای خودجوش و داوطلبانه عشایر با مکان یابی و تجهیز کانونهای مناسب و مستعد برای استقرار دائمی

۱۱- توسعه خدمات و تجهیز زیرساختها به منظور بهبود کیفیت زیست جامعه عشایری

۱۲- تأمین رفاه، عدالت اجتماعی و تعدیل نابرابریهای موجود بین جامعه عشایری و جوامع شهری و روستایی با گسترش حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی و تخصیص منابع مالی و افزایش سرمایه‌گذاریهای عمومی

۱۳- اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی موجود جهت کاهش تصدی دولت و افزایش مشارکت مؤثر و فعال عشایر در اداره امور محیط عشایری و پی‌ریزی مدیریت مناسب محلی برای اداره امور قلمروها و زیست‌بومهای عشایری

۱۴- تقویت مجامع هماهنگ‌کننده فعالیتهای دستگاهها و نهادهای اجرایی فعال در محیط عشایری

۱۵- گسترش فعالیتهای پژوهشی در جامعه عشایری بویژه تحقیقات کاربردی با جلب مشارکت دانشگاهها و نهادهای خصوصی

۱۶- تأمین شرایط مناسب برای استفاده عشایر از تسهیلات بانکی جهت اجرای طرحهای مولد و اشتغالزا

۱۷- توسعه و گسترش آموزشهای کاربردی، فنی و حرفه‌ای در محیط عشایری جهت ارتقای مهارت و افزایش بهره‌وری نیروی کار عشایری

۱۸- اصلاح ساختار قانونی و تأمین امنیت قضایی در محیط عشایری با تجدیدنظر در قوانین موجود، تدوین قوانین ویژه و جذب عشایر در نظام حقوقی کشور.